

## استنباط خط‌مشی اسلامی اشتغال زنان مبتنی بر روش‌شناسی دیدگاه نظام‌مند فقه امامیه

حسین قلی‌پور\* اصغر آقا مهدوی\*\*

### چکیده

اشتغال زنان موضوعی است که پژوهش‌های فقهی فراوانی درباره‌ی آن انجام شده است. نتیجه‌ی بیشتر این پژوهش‌ها نیز جواز اشتغال زن با رعایت شرایط و حدود است. روش استنباطی این پژوهش‌ها حاکی است که عموماً به صورت نظام‌مندی به این موضوع نگریسته نشده است. با التفات به نقش مستقیمی که نگاه فقیه در استنباط وی دارد، در این پژوهش با نگاه نظام‌مند به مقوله‌ی اشتغال زنان پرداخته شده است. مسئله‌ی اصلی این مقاله، استنباط خط‌مشی اسلامی اشتغال زنان و نحوه‌ی تحقق آن در دولت اسلامی است. در استنباط احکام شرعی در موضوع اشتغال زنان با روش نگاه نظام‌مند این نتایج به دست آمد: اشتغال زن، فی‌نفسه امری جایز است، اما نمی‌توان آن را به خط‌مشی‌های عمومی نیز سرایت داد و نتیجه گرفت که خط‌مشی اشتغال نیز می‌تواند نسبت به مردان و زنان یکسان باشد، بلکه نظر به تکلیف تأمین نفقه‌ی زن و فرزندان بر مرد، اگر خط‌مشی‌های اشتغال زن و مرد کاملاً برابر در نظر گرفته شوند، منافی عدالت خواهد بود. خط‌مشی اسلامی اشتغال، در مشاغلی که مراعات احکام شرعی ترجیحی نسبت به یک جنس خاص ندارند، اولویت و تقدم را به مردان می‌دهد و دولت اسلامی برای تحقق و اجرای آن باید خود دولت و کارفرمایان خصوصی را به تبعیت از این خط‌مشی ملزم کند.

### واژگان کلیدی

اشتغال، اشتغال زنان، فقه نظام‌مند، فقه حکومتی، محدوده‌ی دخالت دولت.

\*. دانشجوی دکتری تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) (نویسنده‌ی مسئول)  
(gholipour@isu.ac.ir).

\*\*دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) (aamahdavy@isu.ac.ir).

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۰۲

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

فقه شیعه در قیاس با نظام‌های ارزشی دیگر مذاهب و مکاتب بشری ویژگی‌هایی دارد که آن را در جایگاه ممتازی قرار می‌دهد. از جمله‌ی این ویژگی‌ها می‌توان، توحیدی بودن، جامع بودن، توجه به زمان و مکان و نظام‌مندی را نام برد. توحیدی بودن فقه شیعه سبب شده است تا مبدأ اصلی تعیین باید‌ها و نبایدها و منشأ اصلی ارزش‌ها خداوند متعال باشد و تنها امری ارزشمند شناخته شود که انسان را به او نزدیک کند و امری ضدارزش شناخته شود که انسان را از او غافل یا دور کند. جامع بودن فقه شیعه به این معناست که برای تمام موضوعات و افعال انسانی حکم ویژه‌ای دارد و درباره‌ی آن اظهارنظر می‌کند. این ویژگی بدین معناست که اسلام از نقشی که تک‌تک افعال بشری در سرنوشت انسان و جامعه‌ی انسانی ایفا می‌کند، غافل نبوده و قضاوت ارزشی خود را به انسان ارائه می‌دهد تا بتواند مسیر سعادت را بپیماید. زمان و مکان را در نظر می‌گیرد، زیرا افعال آدمی همواره اقتضائاتی دارد و نادیده گرفتن و مدخلیت‌نداشتن آنها در استنباط حکم فقهی به معنای در نظر نگرفتن واقعیت نفس موضوع است، اما نظام‌مندی فقه شیعه به این معناست که اسلام برنامه‌ی ویژه‌ای برای حیات بشر تدارک دیده که عدالت مبنای اصلی تنظیم آن بوده است. به همین خاطر، در این برنامه هر چیزی در جایگاه خویش باید قرار می‌گیرد؛<sup>۱</sup> لذا در موضوعات مختلف احکام خاص آن وضع شده است تا در یک منظومه‌ی مشخص هدف اصلی خلقت بشری را محقق کنند.

با وجود این، در تاریخ تفقه شیعه و در مقام اثبات این علم، این چنین نبوده است که در هر آنچه فقها استنباط کرده‌اند، موارد مذکور مراعات شده باشند و در برخی موارد فقها در استنباط خویش به برخی از این ویژگی‌ها بی‌توجه بوده‌اند؛ که برای مثال به یک نمونه از آنها اشاره می‌شود:

در روایات مأثوره اخباری وجود دارد که بیان می‌کنند، اگر مالک زمین وظیفه‌ی خود را در بهره‌وری و نگهداری از آن مطابق مقتضیات جانشینی خدا انجام ندهد، زمین از وی ستانده می‌شود و حق او در آن ساقط شده و زمین به دیگری واگذار می‌شود (جرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۵، ص ۴۳۳)، ولی برخی از فقهای شیعه در استناد به این بیان‌ها تردید کرده‌اند.<sup>۲</sup> شهید صدر (رحمته‌الله) در تعلیل این تردیدها می‌فرماید:

۱. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۵۳۳).  
 ۲. گروه تحقیق اقتصادنا، در این خصوص توضیح داده‌اند: «برخی حکم کرده‌اند که در این حال، زمین در تملک همان مالک اول یا وارث او باقی می‌ماند. این سخن از این کسان نقل شده است: شیخ طوسی در مبسوط؛ ابن براج در مهذب؛ ابن ادریس در سرائر؛ یحیی بن سعید در الجامع للمسئلات؛ شهید اول در الدروس الشرعية؛ محقق ثانی در جامع المقاصد. بنگرید به: جواهر الکلام: ج ۳۸، ص ۲۱» (اقتصاد ما: ج ۲، ص ۴۰).

اینها گمان دارند که این بیان‌ها، حرمت مالکیت را که مقدس است، زیر پا می‌نهد. روشن است اگر این تردیدورزان به آن بیان‌ها با بینش اسلامی درباره‌ی مالکیت می‌نگریستند، دیگر التزام به آن و هم‌نوایی با اندیشه و روح این بیان‌ها بر ایشان سخت نمی‌بود (صدر، ۱۳۹۳: ۴۰).

از مجموع این نکات استنتاج می‌شود که بینش و نوع نگاه یک فقیه در استنباط وی از منابع اسلامی اثری مستقیم داشته و دارد. تا جایی که اختلاف بینش‌ها اختلاف فتوا را به ثمر آورده است. از این رو، در این نوشتار با تأکید بر ویژگی نظام‌مندی فقه شیعه - که یکی از ویژگی‌های کلیدی با اثری ژرف و بسیار در استنباط احکام فقهی است - سعی می‌شود، ابتدا این ویژگی مستدل بررسی و ابعاد مختلف آن واکاوی شود تا مشخص شود که در مسئله‌ی پژوهش چه تأثیری می‌گذارد. اسلام یک مکتب اجتماعی است که نفع حقیقی فرد و جامعه را توأمان در نظر می‌گیرد و هیچ‌کدام را فدای دیگری نمی‌کند. مسئله‌ی این پژوهش این است که اشتغال زنان در مکتب اجتماعی اسلام چه محدوده‌ای دارد و خط‌مشی دولت اسلامی درباره‌ی آن چیست؟ درباره‌ی حکم اشتغال زنان، فقهایی که تنها از منظر فردی موضوع اشتغال زنان را بررسی می‌کنند، با رعایت شرایطی مانند حفظ حریم محرم و نامحرم، کسب اجازه از شوهر، رعایت وظیفه‌ی شوهرداری و... حکم چنین فعلی را مباح اعلام کنند، اما اگر اشتغال زنان از منظر مکتبی و نه به صورت منفرد و مجزا از دیگر احکام و قوانین دینی بلکه جزئی از اجزای یک مکتب نظام‌مند و از منظر خط‌مشی‌گذاری عمومی که همگی برای رسیدن به هدف واحدی با یکدیگر در ارتباط بوده و فعالیت می‌کنند، بررسی شود، بالتبع حکم متفاوتی می‌طلبد. حکومت اسلامی به تحقق اهداف و غایات اسلامی موظف است و می‌بایست احکام موضوعات و افعال را با بررسی نظام‌های اسلامی استنباط کند. دولت‌ها از طریق خط‌مشی‌ها و تصمیم‌های کلان برای موضوعات و مسائل مختلف اجتماعی نظیر اشتغال زنان برنامه‌ریزی می‌کنند. بنابراین سخن از سیاست و خط‌مشی دولتی در باب اشتغال زنان موضوع کاملاً جدیدی است که بالتبع حکم خاص خود را می‌طلبد. در اینجا سؤال از موضع حکومت اسلامی در قبال اشتغال زنان است؛ یعنی مکتب اسلام چه باید‌ها و نباید‌هایی برای حکومت اسلامی در این مورد قائل شده است؟

## ۲. پیشینه‌ی پژوهش

با مرور ادبیات علمی اشتغال زنان انبوهی از کتب و مقالات مشاهده می‌شود که هر کدام دغدغه‌ی خاصی دارند. ادبیات وسیع و گسترده‌ی اشتغال زنان نشان دهنده‌ی اهمیت و تأثیر زیادی است که

پژوهشگران آن را عاملی مهم و سرنوشت‌ساز در جامعه می‌دانند. برخی از پژوهش‌ها تاریخچه‌ی اشتغال زنان را بررسی کرده‌اند (جارالهی، ۱۳۷۲). بسیاری از پژوهش‌ها نیز تأثیر اشتغال زنان در خانواده را بررسی کرده‌اند. کیان‌مهر در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته است که اشتغال زنان باعث کاهش روابط عاطفی کم‌سابقه‌ای با فرزندان شده است، ولی این کاهش روابط باعث جدایی کامل مادر از فرزندان نشده است و در بیشتر موارد فرزندان اطاعت از مادر را بر اطاعت از پدر ترجیح داده‌اند (کیان‌مهر، ۱۳۷۸). بررسی روابط متقابل میان سه متغیر اصلی یعنی اشتغال، تقسیم کار در خانواده و رفاه خانواده نیز در یک پژوهش، به طراحی یک الگوی پویای بهینه‌یابی تخصیص وقت زنان میان کار خانگی و کار بازاری به منظور به حداکثر رساندن رفاه خانواده منجر شده است (افشاری، ۱۳۹۰). بسیاری دیگر از پژوهش‌های مربوط به اشتغال زنان، رابطه‌ی آموزش عالی و اشتغال زنان را بررسی کرده‌اند. بررسی نقش آموزش عالی در کارآفرینی و اشتغال زنان، بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان زن، آینده‌پژوهی اشتغال زنان، بررسی موانع و مشکلات اشتغال زنان و... نیز از دیگر پژوهش‌های این حوزه هستند. در این میان، آنچه که ادبیات علمی زیادی را تاکنون به خود اختصاص نداده است، بررسی اشتغال زنان از منظر خط‌مشی‌گذاری است که ثمره‌ی آن در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولت تجلی می‌یابد. بررسی سیاستی اشتغال زنان را می‌توان از دو منظر توصیفی و تجویزی مطالعه و تحقیق کرد. از جمله مطالعات توصیفی در این باره، بررسی سیاست‌گذاری اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران است. محققان این پژوهش معتقدند، دولت در سیاست‌گذاری اجتماعی با محور کلان سیاست‌های تشویقی-ترویجی که شامل دو محور خردتر «اشتغال متناسب زنان» و «اشتغال بدون قید زنان» و محور کلان سیاست‌های حمایتی که شامل دو محور خردتر «حمایت از زنان شاغل» و «حمایت از غیرشاغلین زن» است، موضوع اشتغال زنان را بررسی کرده است. با این حال، بسیاری از سیاست‌های کلی برای عملیاتی شدن پشتوانه‌ی قانونی ندارد و در حد شعار باقی مانده است (تاج‌مزیانی و یاسری، ۱۳۹۲). مطالعات و تحقیقات تجویزی در سیاست‌های حکومت، عرصه‌ای جدی و ضروری برای هر حکومت است. ابتدای جمهوری اسلامی بر مبنای و آموزه‌های اسلامی از یک‌سو و هنجاری بودن خط‌مشی‌گذاری عمومی، یعنی دخالت و تأثیر هنجارهای اجتماعی پذیرفته‌شده در تجویز و تولید خط‌مشی‌های یک جامعه (Lasswell, 1951:15)، از سوی دیگر این ضرورت را پیش‌روی ما قرار می‌دهد که خط‌مشی‌های اشتغال زنان این‌بار از زاویه‌ی معارف و آموزه‌های دینی پژوهش شود. درباره‌ی این موضوع نیز پژوهش‌های علمی اندکی انجام شده است؛ یعنی همان‌گونه که مشاهده می‌شود،

هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها درصدد استنباط خط‌مشی اسلامی اشتغال زنان از منابع دینی و آن هم مبتنی بر دیدگاه نظام‌مند نبوده‌اند. از این‌رو پژوهش حاضر این مسئله را واکاوی کرده و در نهایت برای تحقق خط‌مشی استنباطی در اشتغال زنان پیشنهادهایی داده است.

### ۳. مبانی نظری

فرایند پاسخ‌دهی به مسئله در این مقاله، نیازمند تدقیق در مفاهیمی است که مبتنی بر آنها، تحلیل و استدلال ارائه می‌شود. از این‌رو، ابتدا سعی می‌شود این مفاهیم به صورت دقیق واکاوی شده و معنا و منظور نهایی هر کدام از آنها تبیین شود.

#### ۳-۱. نظام‌مندی فقه

وضع احکام خمس در اسلام بدین معناست که افعال، نقش و اثر یکسانی در سعادت بشری ندارند. از این‌رو وضع احکام مختلف برای آنها به این علت بوده است که هر کدام در جایگاه حقیقی خویش قرار بگیرند؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که فقه اسلامی نظام‌مند است. نظام‌مندی فقه را از دو زاویه می‌توان بررسی کرد: (۱) موضوع‌شناسی و (۲) استنباط حکم.

**الف - موضوع‌شناسی نظام‌مند:** به این معناست که در هنگام بررسی و شناخت یک موضوع، به اینکه در چه نظامی قرار گرفته است و چه نقشی را در کلیت آن نظام ایفا می‌کند نیز دقت شود. داشتن چنین نگاهی، در شناخت دقیق موضوع، اهمیت بسیاری دارد و فقدان آن می‌تواند به ساده‌اندیشی فقهی بینجامد. این رویکرد به خصوص برای موضوعاتی که جزئی از نظام‌های نوپدید بشری به‌شمار می‌آیند، اهمیتی ویژه دارد؛ برای مثال بانک به خودی خود نظامی است که عقود و قراردادهای فراوانی دارد، اما همه‌ی اینها سازوکاری دارند که سرمایه‌ی اولیه روزانه رشد کند. گذشته از مشروع بودن یا نامشروع بودن این رشد سرمایه، مدنظر این است که فقیه هنگام بررسی مشروعیت یک عقد بانکی، می‌تواند دو رویکرد متفاوت را اتخاذ کند: اول اینکه، به کلیت بانک بی‌توجه باشد و به صرف مراعات شروط آن عقد، آن را مشروع اعلام کند. دوم اینکه، با بررسی کلیت نظام بانکی، آن را نامطلوب و چه‌بسا نامشروع بشناسد و علی‌رغم صحت عقد بررسی شده، به علت نقشی که در تحکیم و قوام آن نظام نامشروع ایفا می‌کند، آن عقد را نیز نامشروع اعلام کند. این مثال، نمونه‌ای از مواردی است که در حالت عادی مشروع است، ولی به علت قوام‌بخشی به یک نظام نامشروع ممنوع اعلام شده است. عکس این مطلب نیز ممکن است؛ یعنی یک فعل در حالت عادی نامشروع شناخته می‌شود، ولی وقتی در نظام مشروع قرار می‌گیرد که حفظ آن به

ارتکاب آن منوط است، به نقشی که در حفظ نظام ایفا می‌کند، بایستی توجه کرد و حکم آن را جایز و بلکه واجب اعلام کرد؛ برای مثال قرآن کریم جاسوسی کردن در امور فردی افراد جامعه را نهی کرده است، ولی با تشکیل نظام حکومتی اسلام، چنانچه حفظ مصالح مهم‌تر به ارتکاب آن منوط باشد-همان‌گونه که امام خمینی (رحمته‌الله) فرموده‌اند- جایز و بلکه واجب است (مهدوی، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

ب- استنباط حکم نظام‌مند: به این معناست که فقیه در مقام استنباط، احکام مختلفی که شریعت درباره‌ی آن موضوع وضع کرده است را در نظر بگیرد تا بتواند همخوانی و سازگاری آنها را با حکمی که در بررسی استنباط کرده است، بسنجد. به عبارت دیگر، رویکرد نظام‌مند در استنباط احکام بدان معناست که باید «تکالیف سایر مکلفین» و «سایر تکالیف مکلفین» در منظومه‌ی احکام فقهی توأمان مدنظر قرار گیرد. توضیح اینکه وقتی اسلام برای انسان و جامعه‌ی انسانی مسیر ویژه‌ای را در حیات دنیوی ترسیم کرده است، پس لاجرم نیازهای آنها را نمی‌تواند نادیده بگیرد. از این‌رو برای آنها حقوقی را وضع کرده است، تا در پرتو آن حقوق نیازمندی‌های آنها را در طول پیمودن مسیر سعادت رفع کند. طبعاً این حقوق به نسبت ماهیت و موقعیت افراد متفاوت است و افراد مختلف حقوق یکسانی ندارند. بنابراین، لازم است این تفاوت‌ها در استنباط احکام الهی نیز در نظر گرفته شوند. این مهم در هنگام استنباط حکم موضوعات جدید، اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا فقیه در تشخیص اینکه حکم آن موضوع چه نسبتی با دیگر احکام الهی دارد و آیا نظام حقوقی را مختل و یا تقویت می‌کند، نیازمند دقت نظام‌مند فراوانی است. از آنجا که موضوع خطمشی اشتغال زنان نمونه‌ای از مواردی است که برای استنباط حکم آن بررسی دیگر احکام نیز ضروری است؛ لذا در این پژوهش بررسی نظام‌مند می‌شود.

### ۳-۲. خطمشی عمومی<sup>۱</sup>

با عنایت به سامان یافتن پژوهش درباره‌ی خطمشی اشتغال زنان، برای جلوگیری از لغزش مفهومی، ارائه‌ی تصور علمی از خطمشی عمومی ضروری است. در اصطلاح عمومی، خطمشی تعیین‌کننده‌ی رفتار یک بازیگر<sup>۲</sup> یا مجموعه‌ای از بازیگران مانند یک مقام رسمی، یک سازمان دولتی و یا یک قانون‌گزار در حوزه‌ی فعالیت‌هایی نظیر حمل و نقل عمومی یا حفاظت از مصرف‌کنندگان است. خطمشی عمومی نیز ممکن است؛ به معنی «آنچه دولت انتخاب می‌کند که انجام دهد و یا ندهد، در نظر گرفته شود» (dye, 2013: 3). آندرسون نیز خطمشی را مجموعه‌ای از اقدامات<sup>۳</sup>

1. Public Policy  
2. Actor  
3. Course of action

به نسبت پایدار و هدفمند تعریف کرده است که به وسیله‌ی یک یا مجموعه‌ای از باز‌یگرانی که با یک مسئله یا موضوع نگرانی مواجه شده‌اند، تعریف شده است. این تعریف بر آنچه در عمل به‌طور واقعی انجام می‌گیرد متمرکز است، نه بر آنچه که تنها پیشنهاد شده یا انجام دادن آن قصد شده است و نیز، خط‌مشی را از یک تصمیم - که تنها نوعی انتخاب خاص میان سایر گزینه‌هاست - مجزا می‌کند و خط‌مشی را مانند نتیجه‌ای که در طول زمان آشکار می‌شود، در نظر می‌گیرد.

خط‌مشی‌های عمومی فرآیندی است که به وسیله‌ی پیکره‌ها و مأموران دولتی شکل گرفته‌اند (البته باز‌یگران و عوامل غیردولتی نیز ممکن است روی شکل‌گیری خط‌مشی‌های عمومی تأثیر بگذارند). خلاصه، مقامات و سازمان‌های دولتی خط‌مشی‌های عمومی را تهیه می‌کنند. همچنین آنها معمولاً تعداد بسیاری از افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. البته باید توجه داشت که خط‌مشی عمومی ممکن است ایجابی یا سلبی باشد. گاهی اوقات، دولت برای رفع معضلی دست به مجموعه‌ای از اقدام‌های عملی می‌زند (ایجابی) و گاهی خط‌مشی فصولی موقوف<sup>۱</sup> را در پیش می‌گیرد (سلبی). اولی را اقدام<sup>۲</sup> دولت و دومی را عدم اقدام<sup>۳</sup> گویند. این دو حالت در مورد موضوعاتی صادق است که دولت توان انجام‌دادن یا انجام‌ندادن آنها را دارد. بنابراین، در این دو حالت خط‌مشی عمومی اجرایی می‌شود. خط‌مشی‌های عمومی در همه جای یک جامعه‌ی مدرن و پیچیده حضور دارند. آنها مزایا و معایبی<sup>۴</sup> را به وجود می‌آورند که باعث لذت، تحریک و درد می‌شوند. آنها بخش مهمی از محیط زیست جامعه را تشکیل داده و در مجموع، عواقب مهمی برای رفاه و خوشبختی<sup>۵</sup> مردم دارند (Anderson, 2003:2).

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

مقصود از روش، استفاده از منابع دینی به گونه‌ای منطقی در استنباط احکام است. استنباط حکم با دیدگاه نظام‌مند و اصیل مستلزم پیمودن مراحل بیشتر از استنباط معمول است، زیرا باور به نظام‌مندی فقه، موجب می‌شود، مستنبط حجیتی برای استنباط خویش قائل نباشد، مگر اینکه امور دیگری را نیز بررسی کند. در ادامه، مراحل روش استنباط نظام‌مند - که در این مقاله نیز به کار رفته است - تبیین خواهد شد.

1. Hands off
2. Action
3. Inaction
4. Advantages and disadvantages
5. well-being and happiness

**الف- شناخت کافی موضوع:** در مقام استنباط، ابتدایی‌ترین کار فقیه شناخت موضوعی است که می‌خواهد حکم آن را استنباط کند. توضیح اینکه در فقه شیعه هر موضوعی حکم خاص خود را دارد و این حکم تا روز قیامت تغییر نمی‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۸). آنچه که تغییرپذیر است و بالتبع حکم خاص خودش را می‌طلبد، موضوع است. این تغییر گاهی در اثر گذر زمان و تغییر مکان رخ می‌دهد و گاهی نیز اموری چون تزاحم باعث تغییر می‌شود.

از طرفی ابداعات بشری در عرصه‌های مختلف فنی، پزشکی و انسانی - اجتماعی موضوعات جدیدی را نیز پدید می‌آورند که بایستی به دقت تحلیل و بررسی شود تا در نهایت حکم مربوط به آنها با حکم موضوعات مشابه خلط نشود.

**ب- جمع آوری ادله‌ی مختلف پیرامون موضوع:** همان‌گونه که رایج است، ابتدا بایستی تمامی ادله‌ی مرتبط با موضوع در حال بررسی در آیات قرآن و روایات و احیاناً برهان عقلی گردآوری شود. جست‌وجو برای یافتن این ادله تا جایی است که در اصطلاح یأس بعد از فحص رخ دهد (مظفر، ۱۳۸۴: ۲۸۱).

**ج- استنباط حکم از طریق بررسی رجالی و اصولی:** بررسی ادله‌ی نقلی با پرسش‌ها و ملاحظات فراوانی مواجه است که عام بوده و در فرایند استنباط در موضوعات مختلف کاربرد دارند. ابتدایی‌ترین پرسش سؤال از سند ادله به‌خصوص در مورد روایات است. همچنین در برداشت و فهم ادله‌ی نقلی، مسائلی مانند حجیت ظواهر، حجیت خبر واحد، نحوه‌ی جمع بین ادله و... وجود دارد که در مجموع علم اصول فقه به این مسائل می‌پردازد. فقیه هنگام بررسی موضوعات فقهی و پس از بررسی سندی و دلالی، در نهایت، به یک جمع‌بندی می‌رسد که حکم استنباط شده‌ی وی است. این احکام معمولاً فتوای آن فقیه است که در اختیار دیگران گذاشته می‌شود.

مراحل مذکور تا اینجا مشترک بین دیدگاه نظام‌مند با دیدگاه رایج در استنباط احکام فقهی است، اما مراحل بعدی از اقتضائات عملی دیدگاه نظام‌مند است که عبارت‌اند از:

**د- گردآوری احکام مرتبط در نظام موضوعی:** در این مرحله، متناسب با موضوع در حال بررسی بایستی احکام شرعی مرتبطی که در یک نظام موضوعی قرار دارند را جمع‌آوری کرد. برای مثال، اگر فردی بخواهد حکم یک فعل مالی - اقتصادی جدیدی را که نص صریحی درباره‌ی آن وارد نشده، است استنباط کند، لازم است احکام مرتبطی که در نظام اقتصادی اسلام وجود دارد را جمع‌آوری کند.

**ه- تطبیق حکم مستنبطه با احکام مرتبط:** پس از طی کردن مراحل پیشین، اکنون لازم است فقیه به نسبت‌یابی حکمی که در استنباط خویش و مستقل از دیگر احکام شرعی به‌دست آورده



است با احکام مرتب‌تری که در آن نظام موضوعی قرار دارند، بپردازد. در بررسی تطبیقی ممکن است حکم مستنبطه کاملاً همخوان و سازگار با احکام شرعی دیگر باشند، ممکن است مغایر باشد و همچنین ممکن است ناهمخوان و ناسازگار با احکام مرتبط باشند. این مرحله، شاید مهم‌ترین مرحله‌ای باشد که مستنبط پیش‌روی خود دارد، زیرا اگر مرحله‌ی تطبیق را با سادگی و بدون صرف دقت کافی پشت سر بگذارد، احتمال استنباط حکم به‌نحوی که حجیت داشته باشد، کاسته می‌شود.

و- استنباط حکم: درنهایت، فقیه بایستی از مجموع بررسی‌های مراحل قبلی به جمع‌بندی برسد و درنهایت استنباط خویش را اعلام کند. روشن است چنین استنباطی به دلیل استناد کامل به ادله‌ی دینی و بررسی هماهنگی برداشت فقیه با دیگر احکام شرعی حجیت بیشتری دارد و احتمال اصابت به حقیقت را می‌افزاید.

## ۵. اجرای مراحل استنباط نظام‌مند

### ۵-۱. شناخت موضوع اشتغال زنان

تعریف اشتغال در اصطلاح بیشتر جنبه‌ی اقتصادی داشته و کمتر به معنای خود اشتغال توجه شده است. از دیدگاه علم مدیریت، اشتغال عبارت است از «به‌کارگیری منطقی نیروهای متخصص و کارآمد در مشاغل تخصصی و تطبیق آنها با پست‌های تخصصی به‌نحوی که نیل به اهداف سازمانی را برای ما امکان‌پذیر سازد» (قلی‌پور، ۱۳۸۰: ۲۰). در تعریفی دیگر، اشتغال عبارت است از «فعالیتی متشکل از اعمال قوه‌ی فکری یا دستی که در برابر آن مزد، حقوق، معاش یا حق‌الزحمه‌ی کار و کسب گرفته می‌شود. در محاورات روزانه این اصطلاح بیشتر به معنای محدودتر یعنی کارهای دستی یا به‌طور کلی کارگران دستی به کار می‌رود» (نیکوبرش‌راد، ۱۳۸۵: ۱۹۵).

مرسوم بوده است که مردان تأمین نیازهای درآمدزایی و زنان کارهای درون خانه را عهده‌دار بوده‌اند. در این هنگام، زنان اگر هم بیرون خانه به کار و فعالیت‌های درآمدزا اشتغال داشتند، این فعالیت‌ها معمولاً در کنار شوهر، پدر، فرزندان و خانواده‌ی خویش انجام می‌شد (جارالهی، ۱۳۷۲: ۲۴۹)، اما پس از پیدایش سازمان‌های صنعتی، کارخانه‌داران و سرمایه‌داران زنان را نیروی کار ارزان‌تری نسبت به مردان یافتند؛ از این‌رو زنان نیز به تدریج در کارخانه‌ها و سازمان‌ها مشغول به کار شدند. ارزان‌تر بودن زنان از یک‌سو، فرمان‌پذیرتر بودن آنها از سوی دیگر و حتی داشتن جاذبه‌های جسمی و مادی مزید بر این شده بودند که اشتغال زنان در سازمان‌ها به امری عادی و طبیعی جلوه کند و در قوانین رسمی کشورها تفاوتی بین زن و مرد در استخدام نیروی کار قائل نشوند (همان: ۲۴۹). بنابراین، موضوع اشتغال زنان چند مؤلفه کلیدی دارد: اعمال قوه‌ی فکری یا

دستی زن، صرف وقت و درنهایت درآمدزایی؛ لذا این پژوهش به دنبال بررسی موضوعی است که هر سه ویژگی را دارد.

## ۲-۵. جمع آوری ادله پیرامون اشتغال زنان

### ۱-۲-۵. استنباط حکم از طریق بررسی رجالی و اصولی

#### الف- قرآن کریم

در قرآن کریم علاوه بر آیاتی که مالکیت زنان را به رسمیت شناخته است (نساء: ۳۲)، آیاتی وجود دارد که نشان می‌دهد، از مدت‌ها قبل نیز زنانی بوده‌اند که به علل اقتصادی در بیرون از خانه کار می‌کرده‌اند. از جمله‌ی این آیات، آیات مربوط به چوپانی دختران حضرت شعیب (عَلَيْهِ السَّلَام) است. خداوند در سوره‌ی قصص از دختران حضرت شعیب (عَلَيْهِ السَّلَام) نام می‌برد که به کار چوپانی اشتغال داشته‌اند. آنها به علت کهولت سن پدر از گوسفندان نگهداری می‌کردند و برای سیراب کردن گوسفندان خود نیز همیشه تا پایان کار دیگر چوپانان صبر می‌کردند و سپس به گوسفندان خود آب می‌دادند: «و چون به آب مدین رسید، مردمی را دید که از چاه آب می‌کشند و در طرف دیگر دور از مردم دو نفر زن را دید که گوسفندان را از اینکه مخلوط با سایر گوسفندان شوند، جلوگیری می‌کردند، موسی (عَلَيْهِ السَّلَام) پرسید چرا ایستاده‌اید؟ گفتند: ما آب نمی‌کشیم تا آنکه چوپان‌ها گوسفندان خود را ببرند، و پدر ما پیری سالخورده است»<sup>۱</sup> (قصص: ۲۳). دختران حضرت شعیب (عَلَيْهِ السَّلَام) به دلیل عفاف و تحجب خود تا پایان کار چوپانان مرد صبر می‌کردند تا اینکه حضرت موسی (عَلَيْهِ السَّلَام) گوسفندان آنها را سیراب کرد. آن دو این داستان را برای پدرشان بازگو کردند و حضرت شعیب (عَلَيْهِ السَّلَام) تصمیم گرفت برای جبران خدمت موسی (عَلَيْهِ السَّلَام) او را به خانه‌اش دعوت کند؛ به همین منظور یکی از دختران خود را نزد موسی (عَلَيْهِ السَّلَام) فرستاد: «پس یکی از آن دو به سراغ او آمد، درحالی که درنهایت حیا گام برمی‌داشت»<sup>۲</sup> (قصص: ۲۵).

بیان این داستان در قرآن کریم و ردع نکردن آن از طرف خداوند متعال نشانگر این است که حداقل در زمان حضرت شعیب و موسی (عَلَيْهِ السَّلَام)، اشتغال زنان تاجایی که حریم زن و مرد رعایت شود و منافعی با عفاف نباشد، مانعی نداشته است. نکته‌ی جالب این آیه، عبارت پایانی آن است. به نظر می‌رسد دختران حضرت شعیب (عَلَيْهِ السَّلَام) با بیان این نکته که پدر ما فردی پیر است و توانایی

۱. «و لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنٍ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدَرَ الرَّعَاءُ وَ ابْنَانَا شَيْخٌ كَبِيرٌ»

۲. «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»

چوپانی را به‌خوبی ندارد، می‌خواستند علت اینکه آنها به جای پدر خود این کار نسبتاً مردانه را انجام می‌دهند، توضیح داده باشند.

### ب- سیره و سنت معصومین (علیهم‌السلام)

سیره‌ی پیامبر (ﷺ) و امامان معصوم - (علیهم‌السلام) - چنین نبوده که همسران و دختران خود را در خانه محبوس و محصور کرده و ارتباط آنها را با بیرون خانه قطع کنند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۳). مطابق روایت وارده، «حولاء» زن عطرفروشی بود که برای فروش عطر نزد زنان و دختران پیامبر اکرم (ﷺ) آمده بود. در این حین پیامبر اکرم (ﷺ) او را موعظه کرد و فرمود: «هرگاه، عطر می‌فروشی، جنس سالم و با قیمت مناسب تحویل مردم بده و هرگز در جنس خود تقلب نکن، زیرا معامله‌ی سالم پاک‌تر است و سبب خیر و برکت می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۱۵۳).

نکته‌ی مهم روایت این است که حولاء در بین زنان عطر می‌فروخته است؛ لذا، این روایت دلالت بر این دارد که اگر زن بتواند، اشتغال درآمدزای خود را با رعایت حریم حجاب و عفاف انجام دهد، مشکلی نداشته و اشتغال و درآمدزایی وی ایرادی ندارد.

از سویی دیگر، امام علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «به زن بیش از حد و توانش کار واگذار مکن و این برای حال او بهتر است و برای زندگی او مناسب‌تر است زیرا زن ریحانه است و قهرمان نیست»<sup>۱</sup> (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۴۰۵). این روایت به وضع روحی و جسمی زنان اشاره می‌کند که آنها باید وظایفی را برعهده گیرند که با وضعیت جسمانی و عاطفی‌شان متناسب باشد و آسایش و آرامش آنها را برهم نزنند. امروزه، با پیشرفت دانش و تکنولوژی، بسیاری از مشاغل سختی و مشقت گذشته را ندارند؛ تاجایی که حتی معلولان جسمی نیز به‌حدی از توانایی رسیده‌اند که به مشاغل و فعالیت‌های گوناگون بپردازند. زنان نیز می‌توانند با تحصیل دانش، توان علمی و عملی خود را برای اشتغال به مشاغل گوناگون افزایش دهند، زیرا بسیاری از حرفه‌ها و مشاغل امروزی از مصادیق «ما یجاوز نفسه» نیستند و با لطافت جسمی و روحی زنان منافاتی ندارند (نوری، ۱۳۹۰: ۱۸).

در روایت دیگر آمده است که رسول خدا (ﷺ) به زنان جوان اجازه می‌داد تا در مراسم عید فطر و قربان از منازل خود خارج شوند و برای تهیه‌ی روزی بساط بگسترانند (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۳، ۲۸۷). تاریخ نیز بیانگر آن است که در زمان رسول خدا (ﷺ) زنان زیادی فعالیت‌های اقتصادی و

۱. «لَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَ أَرْخَى لِبَالِهَا وَ أَدْوَمُ لِجَمَالِهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ».

اجتماعی داشتند و نه تنها پیامبر (ﷺ) آنها را منع نمی کرد، بلکه در مواردی آنها را نیز راهنمایی می کرد. حضرت خدیجه (ع.ک) که از زنان بزرگوار و برگزیده است، تاجری ثروتمند بود و پیامبر (ﷺ)، نیز، برای مدتی، از جانب ایشان به تجارت مشغول بود.

در نتیجه به نظر می رسد که در باب جواز اشتغال زن، بین فقهای شیعه اختلاف نظری نباشد و جملگی بر جواز اتفاق نظر دارند (سوزنجی، ۱۳۹۳: ۶۶).

### ۵-۲-۲. گردآوری احکام مرتبط در نظام موضوعی

اسلام با توجه به ویژگی‌های جسمی و روحی زن و تفاوت‌هایش با مرد پرداختن نفقه‌ی زن را بر مرد واجب کرده است. بر طبق این حکم اسلام مرد را به اشتغال و درآمدزایی مکلف کرده است. از سوی دیگر، زن را مکلف کرده است تا در تمکین جنسی از مرد تبعیت کند بنابراین، مرد با نفقه و تأمین نیازهای مالی، زن را یاری می کند و زن نیز، با تأمین نیازهای جنسی مرد را یاری می کند که البته، هر دو در کنار یکدیگر مکمل هم خواهند بود.

همچنین، اسلام تکلیف جهاد را بر مردان واجب کرده است و انتظاری از زنان برای شرکت در جهاد ابتدایی در حالت عادی ندارد، اما جهاد زن را خوب شوهرداری کردن اعلام کرده است (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۴۱۶). از این روایت می توان نتیجه گرفت که شوهرداری از وظایف اصیل و مهم زن مسلمان است.

از سوی دیگر، روایات متعددی وجود دارد که نشان دهنده‌ی نامطلوب بودن اشتغال زنان در بیرون از خانه در صورت اختلاط با مردان است. از جمله‌ی این روایات عبارت است: از امام صادق (ع.ک) روایت شده است که امیرالمؤمنین علی (ع.ک) فرمودند: «با زنان شروع به سلام کردن نکنید و آنها را به غذاخوردن (تان) دعوت نکنید، زیرا پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: زنان در تکلم نارسا و بی حفاظ هستند. پس با سکوت نارسایی کلامشان و با خانه‌ها بی حفاظی بدنشان را بیوشانید»<sup>۱</sup> (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۰، صص ۲۳۶-۲۳۴). واضح است، منظور روایت این نیست که همه‌ی زنان را افرادی جلوه‌گر و خودنما نشان دهد، بلکه این روایت به طبیعت جذب کننده و زیبایی زن اشاره می کند و برای روابط زن و مرد حریمی طراحی می کند تا از وقوع گناه جلوگیری شود.

از امام باقر (ع.ک) روایت شده است:

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَا تَدْعُوا النِّسَاءَ بِالسَّلَامِ وَلَا تَدْعُوهُنَّ إِلَى الطَّعَامِ فَإِنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ النِّسَاءُ عِيٌّ وَ عَوْرَةٌ فَاسْتُرُوا عَيْنَهُنَّ بِالسَّكُوتِ وَ اسْتُرُوا عَوْرَاتِهِنَّ بِالْبَيُوتِ.

علی و فاطمه در خدمت‌کردن برای داوری نزد رسول اکرم (ﷺ) رفتند. پس پیامبر اکرم (ﷺ) خدمت‌کردن در پشت در (محدوده‌ی خانه) را بر دوش فاطمه نهاد و خدمت‌کردن در جلوی در (بیرون از محدوده‌ی خانه) را بر عهده‌ی علی گذاشت. فاطمه (عَلَيْهَا) فرمود، از اینکه رسول خدا مرا از مراوده با مردان دور نگه داشت، هیچ‌کس به اندازه‌ی خداوند، متعال از خوشحالی‌ای که در قلبم وارد شد، مطلع نیست<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ص ۸۱).

### ۵-۲-۳. تطبیق حکم مستنبطه با احکام مرتبط

از بررسی ادله‌ی وارده جواز اشتغال زنان استنباط شد، اما وقتی این جواز به خط‌مشی‌های عمومی دولت اسلامی تسری و در کنار دیگر احکام مرتبط با زن و مرد قرار داده شد، نوعی ناهم‌خوانی و ناسازگاری بین آنها به دست آمد، زیرا بررسی‌ها نشان داد که در نظام حقوقی اسلام، مرد متکفل و متعهد به تأمین مایحتاج خانواده اعم از همسر و فرزندان است و زن هیچ‌گونه مسئولیت و بار مالی حتی برای تأمین مخارج خود ندارد. بنابراین حق اشتغال مساوی برای زن و مرد، عادلانه به نظر نمی‌رسد. از طرفی دیگر، زن بدون اجازه‌ی شوهر نمی‌تواند از منزل خارج شود، در غیر این صورت، از نظر اسلام، زن تمکین لازم را ندارد و حق نفقه‌اش نیز برداشته می‌شود. این امر نیز قیدی جدی بر فعالیت‌های زن ایجاد می‌کند. در حالی که مردان چنین قیدی ندارند.

### ۵-۳. استنباط حکم

بررسی‌های انجام شده در مراحل پیش، دسته‌بندی زیر را نشان می‌دهد:

الف) خط‌مشی اشتغال در مشاغلی که مراعات احکام شرعی با جنسیت ویژه‌ی متناسب است.

ب) خط‌مشی اشتغال در مشاغلی که انجام آنها جنسیت ویژه‌ی را نمی‌طلبد.

در دسته‌ی نخست، این عامل جنسیت است که تعیین‌کننده‌ی خط‌مشی اشتغال خواهد بود؛ برای مثال می‌شود به مسائل مربوط به پزشکی و تخصص‌های پزشکی و تدریس در کلاس‌های دخترانه اشاره کرد. این قبیل مشاغل خصلت زنانه دارند و دستورات اسلامی ایجاب می‌کند که تا حد ممکن این مشاغل را زنان انجام دهند. از این رو، حکومت اسلامی موظف است، خط‌مشی‌های اشتغالی خود را در این‌گونه مشاغل به‌گونه‌ای تنظیم کند که زنان بتوانند، برای رفع نیازهای جامعه‌ی اسلامی (نه تنها اشتغال) وارد عرصه شوند. واضح است که مسئولیت اجتماعی زنان نیز اقتضا می‌کند که زنان مسلمان نگذارند در این‌گونه مشاغل جای زنان خالی بماند. البته باید توجه داشت که اشتغال زنان حتی در این‌گونه موارد نیز نباید آنها را از وظایف خانوادگی باز دارد، بلکه

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: تَقَاضَى عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِي الْخِدْمَةِ فَقَضَى عَلِيٌّ فَاطِمَةَ بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ وَ قَضَى عَلِيٌّ بِمَا خَلْفَهُ قَالَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخِلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ بِإِكْفَانِي رَسُولَ اللَّهِ ص تَحْمِلُ رِقَابَ الرِّجَالِ.

ضروری است خطمشی‌های اشتغال حکومت اسلامی در این موارد طوری باشد که زنان مشغول به کار در آنها بتوانند وظایف خانوادگی خویش را انجام دهند.

با عنایت به تکلیف مردان در تأمین نفقه و مخارج زن و خانواده اولویت اشتغال در دسته‌ی دوم مشاغل با مردان خواهد بود و این اولویت که با خطمشی‌گذاری دولت‌ها مجال عینیت می‌یابد، جنبه‌ی وجوب دارد. این وجوب مخصوص یک موقعیت زمانی خاص نبوده است، بلکه در چارچوب و نظامی که اسلام، فارغ از زمان و مکان و بنا به تکالیفی که از مرد خواسته برای جامعه‌ی انسانی ترسیم کرده است و لاجرم حقی در تناسب با آنها برای وی قائل شده است. بنابراین، خطمشی عمومی اشتغال اسلامی نخواهد بود، مگر اینکه اولویت و تقدم را به مردان بدهد. خطمشی‌هایی که زنان و مردان را در اکتساب مشاغل در جایگاهی کاملاً برابر قرار می‌دهد، بر یک نظام حقوقی دیگر مبتنی است که تأمین نفقه‌ی زن و فرزندان را توأمان بر دوش زن و مرد قرار می‌دهد؛ کمالینکه در نظام‌های حقوقی برخی از کشورهای غربی نیز چنین است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۹). نظام حقوقی اسلام به ماهیت و جایگاه زن و مرد در خلقت و نقشی که می‌توانند در تحقق هدف خلقت ایفا کنند، نگرشی متفاوت دارد و به همین علت تکالیف و حقوق متفاوتی برای آنها در نظر می‌گیرد.

## ۶. لزوم دخالت دولت در تعیین خطمشی اسلامی اشتغال

همان‌گونه که پیش‌تر مطرح شد، اشتغال زن فی‌نفسه امری جایز و مباح است، اما می‌توان اولویت‌دادن به مردان برای اکتساب مشاغل در خطمشی عمومی را مصداق دخالت دولت اسلامی و اجبار به ترک امور مباح دانست. البته مشروعیت این دخالت و اجبار سؤال‌برانگیز است، اما رجوع به سیره‌ی نبی اکرم (ﷺ) و امیرالمؤمنین علی (ع) نشان می‌دهد، در دوره‌ای که ایشان حاکم دولت اسلامی بودند، هرگاه تحقق اهداف اسلامی به ممنوعیت امور مباح منوط بوده است، ایشان از آن امور نهی کرده‌اند؛ نمونه‌های زیر مصداق این موقعیت‌ها هستند:

اول: ترمذی از رافع‌بن‌خدیج روایت کرده است:

رسول خدا (ﷺ) ما را از کاری نهی کرد که برایمان سودی داشت. یکی از ما که صاحب زمین بود، می‌توانست آن را به دیگری واگذار کند و در عوض آن بخشی از درآمد زمین را از او بخواهد و یا مبلغی اجاره گیرد، اما رسول خدا (ﷺ) ما را از این کار نهی کرد و فرمود: کسی از شما که زمین دارد، یا باید آن را به دیگری ببخشد و یا خودش در آن کشاورزی کند. (الترمذی، ۱۴۱۵: ج ۶، ص ۱۵۵)

دوم: در پیمان‌نامه‌ی امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) به مالک اشتر فرمان‌هایی با تأکید آمده است که قیمت‌ها را به اقتضای عدالت کنترل کند. امام با کارگزار خود، درباره‌ی تاجران سخن گفته و سفارش آنها را کرده و سپس فرموده است:

باین‌حال، بدان که بسیاری از ایشان در معاملات و نگهداری اجناس برای سود بیشتر و قیمت به دلخواه خود تعیین کردن برای فروش رغبت دارند و کارهای ایشان سبب ورود زنان همگانی و مایه‌ی نکوهش حکمرانان است. بنابراین، از احتکار پیشگیری کن، زیرا رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از انباشتن کالا جلوگیری می‌کرده است. باید خرید و فروش بدون سخت‌گیری و با معیارهای عادلانه انجام شود و قیمت برای خریدار و فروشنده مایه‌ی اجحاف نباشد (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۴۳۸).

از نگاه فقهی، واضح است که فروشنده می‌تواند به هر قیمتی که خود بخواهد، کالایش را بفروشد و شریعت به‌صورت عام از اینکه مالک کالا آن را با قیمت گزاف بفروشد، نهی نکرده است. بنابراین، فرمان امام (علیه‌السلام) برای کنترل قیمت و نهی تاجران از فروش کالا با بهای بیشتر، با اختیار زمامدار شرعی انجام می‌شود. این به معنای به‌کار بستن اختیارات امام در وضع قانون به فراخور مقتضیات عدالت اجتماعی است (صدر، ۱۳۹۳: ۴۲۱).

روایت اول نشان می‌دهد که ولی امر جامعه‌ی اسلامی می‌تواند، امری مباح مانند اجاره‌دادن زمین به دیگران را در یک برهه‌ی زمانی برای اینکه هدف مهم‌تری در حال از بین رفتن است، حرام اعلام کند. این روایت، مجوزی است برای اینکه ولی امر چنین اجازه‌ی دخالت در امور مباح را دارد، ولی روایت دوم دخالت در امر مباحی چون قیمت کالا را یک وجوب دائمی برای حاکم دینی دانسته و آن را به زمان و مکان معینی محدود نکرده است. از این‌رو، شریعت اسلامی اختیاراتی را به حاکم اسلامی داده است تا به‌وسیله‌ی آن بتواند برای تحقق اهداف اسلامی قوانینی را وضع کند.

#### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

الگوی اجتماعی زن مسلمان بر اساس دامنه‌ی گسترده‌ی دین نسبت به ساحت‌ها و همچنین ربوبیت مطلق الهی در حیات اجتماعی و خانوادگی، این مبنا را خواهد داشت که تعالیم و آموزه‌های دینی حکیمانه بوده و سعادت بشر را در دنیا و آخرت در نظر گرفته و تعالی همه‌ی ابعاد او را پوشش می‌دهد و از زمینه‌سازی آسیب‌های متنوع پیشگیری می‌کند. تنها در سایه‌ی این آموزه‌ها در فرآیند طراحی، الگوی مناسبی به دست خواهد آمد (درباز و وفایی‌صدر، ۱۳۹۴: ۲۰۳). از جمله ویژگی‌های فقه شیعه، توحیدی‌بودن، جامعیت، توجه به زمان و مکان و نظام‌مندی آن است. توجه به این

ویژگی‌ها در استنباط احکام فقهی نقش مستقیمی دارد، زیرا در طول تاریخ تفقه شیعه فتوایی بوده که احکامی را به شریعت نسبت داده‌اند و با این ویژگی‌ها منافات داشته است. بنابراین، بینش و نگرش فقیه در استنباط وی از ادله‌ی دینی نقش مهمی دارد.

پرداخت تفصیلی به برخی محققان به سه ویژگی اول یکی از عللی بود که سبب شد، این نوشتار روی مؤلفه‌ی «نظام‌مندی» تمرکز بیشتری داشته باشد. نظام‌مندی به معنای قرار گرفتن هر چیزی در جایگاه خویش و لذا وضع احکام مختلف برای موضوعات مختلف است تا در یک منظومه‌ی مشخص، هدف اصلی خلقت بشری تحقق یابد. این ویژگی می‌تواند در دو ساحت موضوع‌شناسی و استنباط حکم قوام یابد. از این رو، مسئله‌ی این مقاله یعنی استنباط خط‌مشی اسلامی اشتغال زنان با نگاه نظام‌مند بررسی شد. اتخاذ چنین نگاهی، مستلزم پی‌موندن مراحل بیشتری در استنباط احکام دینی در نسبت با روش استنباط معمول است. این مراحل در بررسی موضوع اشتغال زنان، طی شده و نتایج زیر به دست آمد:

۱. با بررسی موضوع اشتغال زن در منابع دینی معلوم شد که آیات و روایات اسلامی، اشتغال زن را درحالتی که شاغل‌بودن با وظایف و تعهدات وی نسبت به شوهر منافات نداشته باشد و مفسده‌ای بر آن بار نشود جایز می‌دانند. این بررسی نشان داد، علی‌رغم جایزبودن این امر، با توجه به ویژگی‌های روحی و جسمی زن و اولی‌بودن وظایف وی مانند شوهرداری و تربیت فرزند، اشتغال زنان اولویت کمتری دارد.

۲. ادله‌ی نقلی در مورد اشتغال زنان پاسخ‌گوی مسئله‌ای است که با مسئله‌ی این پژوهش متفاوت است. ادله‌ی وارده این سؤال را پاسخ می‌دهند که آیا یک زن مسلمان می‌تواند شاغل باشد و از شغل خویش درآمدزایی کند. این مسئله با مسئله‌ای که از وظیفه‌ی دولت اسلامی در قبال اشتغال زنان، پرسش می‌کند، متفاوت است.

۳. شیوه‌ی استنباط نظام‌مند در موضوعاتی که نص صریحی در مورد آنها وارد نشده است، ضرورت بیشتری دارد، زیرا به دلیل نبود نص لاجرم بایستی به نتایج ادله‌ای استناد کرد که آن موضوع را مستقیم بررسی نکرده‌اند. در این حالت، بررسی نظام‌مند احکام مرتبط با موضوع می‌تواند رهنمودهای مهمی برای فقیه داشته باشد، زیرا فقیه با بینش توحیدی حکیم‌بودن پروردگار را باور دارد و می‌داند که شارع حکمی را صادر نمی‌کند که دیگر احکام وی را نقض و یا اثر آن را خنثی کند. از این رو، نظام‌مندی فقه اسلامی یک اصل پایدار در استنباط است که به فقیه کمک کند. از همین جا می‌توان فهمید که بررسی افعال حکومتی - که تجلی‌گاه آن قوانین، خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های عمومی هستند - یکی از مصادیق اعلا‌ی موضوعات مذکورند؛



چرا که دوران تصدی پیشوایان شیعه، بسیار اندک‌تر از آن بوده که بتواند برای تمامی موضوعات و افعال حکومتی نصوص مشخصی را در تراث فقهی شیعه به‌جای بگذارد. بلکه اندک نصوصی که باقی‌مانده است، عموماً از دوران تصدی نبی اکرم (ﷺ) و امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) بوده‌اند. ۴. نظر به اینکه نظام حقوقی اسلام مرد را به تأمین نفقه‌ی زن و فرزندان مکلف کرده است و از منظر این نظام حقوقی زن هیچ‌گونه تعهد و بار مالی ندارد، در مرحله‌ی تطبیق بین حکم مستنبطه‌ی اشتغال زنان و احکام مرتبط در نظام موضوعی زن و خانواده، این نتیجه حاصل می‌شود که لازم است اشتغال و خط‌مشی‌های اشتغال مردان در اولویت قرار گیرند.

۵. مکاتب اجتماعی که حق اشتغال یکسانی برای زن و مرد در نظر می‌گیرند، تعادل اقتصادی جامعه را به نفع فردگرایی تنظیم کرده است، به‌گونه‌ای که زن و مرد هر دو مسئول تأمین مالی خویش هستند و در نتیجه، در بلندمدت این افراد هستند که از داشتن شغل منتفع می‌شوند و بر سرمایه و ثروت آنها افزوده می‌شود. همچنین، این افراد هستند که از نداشتن شغل دائماً متضرر و منزوی می‌شوند، اما در فقه شیعه تعادل اقتصادی فقط به نفع فرد نیست، بلکه به نفع خانواده نیز است، به‌گونه‌ای که مرد با داشتن شغل تنها خودش منتفع نمی‌شود، بلکه همسر و فرزندان وی نیز از این شغل بهره‌مند خواهند شد. همچنین برخلاف زن، اگر مردی شغل خود را از دست بدهد، تنها مرد نیست که متضرر خواهد شد، بلکه یک خانواده متضرر خواهند شد. بنابراین، اسلام مکتبی اجتماعی (و نه فردگرا) است که نظام اجتماعی خویش و بالتبع خط‌مشی‌های عمومی خویش را مبتنی بر تشکیل، حفظ و ارتقای خانواده تنظیم کرده است.

۶. خط‌مشی اسلامی اشتغال زنان مبتنی بر نگاه نظام‌مند است. بر این اساس که مشاغل بر حسب جنسیت به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند: مشاغلی که برای مراعات احکام شرعی جنسیت ویژه‌ای را می‌طلبند و مشاغلی که از لحاظ جنسیت ترجیحی ندارند. در خط‌مشی اسلامی اشتغال، این عامل جنسیت است که تعیین‌کننده‌ی اولویت زن یا مرد برای تصدی آن شغل است و در بیشتر مشاغل - که در دسته‌ی دوم قرار می‌گیرند - اولویت اشتغال با مردان است. خط‌مشی‌هایی که هیچ‌گونه تقدم و اولویتی را برای مردان در تصدی مشاغل قائل نمی‌شوند، در واقع مبتنی بر نظام حقوقی و بالتبع جهان‌بینی متفاوتی هستند که نگرش متفاوتی به زن و مرد و جایگاه آنها در تحقق هدف خلقت دارند.

۷. اجرایی‌سازی و تحقق خط‌مشی اسلامی اشتغال زنان مستلزم دخالت دولت است، به‌گونه‌ای که هم مدیران دولتی و هم کارفرمایان خصوصی را به تبعیت از این خط‌مشی ملزم کند. بررسی سیره‌ی نبی اکرم (ﷺ) و امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در دوره‌ی تصدی حکومت اسلامی نشان

می‌دهد که حاکم اسلامی برای تحقق اهداف اسلامی می‌تواند، در این امور دخالت و تبعیت از برخی امور را واجب کند. از این رو، این دخالت نه تنها دخالتی غیرمجاز نبوده، بلکه برای تحقق اهداف اسلامی واجب و لازم است.

### پیشنهاد

تحقق بخشیدن به این خط‌مشی نیازمند اقدام یا مجموعه اقداماتی در عرصه‌ها و شئون مختلف اجتماعی جامعه است. در زیر پیشنهادهای برای جامه‌ی عمل پوشانیدن به این خط‌مشی ارائه می‌شود:

۱. تنظیم رشته‌های تحصیلی با توجه به شغل آینده‌ی پسران و دختران؛ روشن است اگر بخواهیم اولویت خط‌مشی‌های اشتغال و اشتغال‌زایی (در مشاغل عادی) با مردان باشد، نیازمند تجدید نظر در خط‌مشی‌های آموزش عالی هستیم. پذیرش دانشجو در رشته‌های مختلف دانشگاهی بایستی بر این اساس باشد که زنان رشته‌ها و دروسی را انتخاب کنند که برای عبث‌ندانستن تحصیلات خود نیازمند به کسب شغل و کار در بیرون از خانه نباشند. از سوی دیگر، رشته‌هایی که پسران در آموزش عالی مجاز به انتخاب آنها هستند باید آنها را در مشاغل مورد نیاز جامعه توانمند کند.

۲. با توجه به دسته‌بندی حاصل از مشاغل، لازم است دولت اسلامی برای تأمین متخصصان در مشاغل دسته‌ی نخست مثل تدریس در مدارس و دانشگاه‌ها، پزشکی در برخی از رشته‌های مختلف، پرستاری و مشاغل حمایتی که پیوندی ویژه با عواطف انسانی دارند، نسبت به تربیت افراد با جنسیت مقتضی شغل، برنامه‌ریزی و اقدام کند به گونه‌ای که:

الف. متناسب با مطالعات آماری از شرایط، نیروی متخصص زن و مرد را در مشاغل دسته‌ی نخست، تعیین کرده و سپس برای جذب و آموزش آنها از طریق نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی، برنامه‌ریزی کند.

ب. شرایط شغلی برای زنان شاغل، متناسب با وظایف همسری و مادری تعیین شود، نه اینکه شرایط آنها دقیقاً همان شرایط شغلی مردان باشد. در این صورت، زنان قادر خواهند بود، علاوه بر حضور اجتماعی لازم برای رفع نیازهای جامعه به وظایف اصلی خویش در خانواده به خوبی عمل کنند و در نهایت کیان خانواده تقویت خواهد شد.

۳. قانون کار جمهوری اسلامی ایران مملو از الزامات قانونی است که هیچ‌گونه نص و دلیل نقلی برای توجیه آنها نبوده است، ولی دولت اسلامی به دلیل عقلایی دانستن آنها تمامی کارفرمایان را به تبعیت ملزم کرده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای اجرایی‌سازی خط‌مشی اسلامی اشتغال برای مشاغلی که در دسته‌ی دوم قرار می‌گیرند (تصدی آنها به لحاظ شرعی ترجیح

جنسیتی ندارد)، کارفرمایان را ملزم کند تا از داوطلبان مرد منابع انسانی خود را تأمین کنند. این اقدام می‌تواند نقش چشمگیری در کاهش بیکاری داشته باشد، زیرا با مشغول به کار شدن مردان، تشکیل خانواده امکان‌پذیر می‌شود و دختران مجرد برای تأمین معاش خویش مجبور به اشتغال برای کسب درآمد نیستند. همچنین با اشتغال مردان، زنان باطیب خاطر به ایفای وظایف خود در خانه (شوهرداری و بچه‌داری) پرداخته و از تحمل فشارهای مضاعف برای انجام مشاغل بیرون از خانه معاف خواهند شد. با تحقق این امر شاهد استحکام بیشتر خانواده‌ها و سلامت زنان و مادران خواهیم برد.

۴. سعی این مقاله بر این بود که نشان دهد، مسئله‌ی اشتغال در درجه‌ی اول برای مرد که نفقه‌ی خانواده بر او واجب است، مطرح و جدی است. از سوی دیگر، نقش‌های فوق‌العاده مهمی چون مادری، تربیت فرزند و شوهرداری برای زنان، ما را به این نکته رهنمون می‌کند که اشتغال برای زنان - برخلاف مردان - یک مسئله‌ی ثانویه است. به هر حال اگر زن یا زنانی نیازمند داشتن شغل و کسب درآمد بودند و به خصوص در کارها و شغل‌های مختص زنان یا کارها و فعالیت‌هایی که حضور زنان در آنها الزامی است، بهتر است پاره‌وقت اشتغال به کار داشته باشند، زیرا اشتغال تمام‌وقت برای زنان متأهل سبب وارد آمدن فشارهای روحی و روانی به آنها، سست شدن روابط عاطفی در خانواده، تضعیف استحکام خانواده و ... می‌شود. درحالی که اشتغال پاره‌وقت به مقدار بسیاری می‌تواند فرصت لازم را به این قبیل زنان بدهد تا وظایف و امور مربوط به خانه، فرزند و شوهر را انجام دهند و از تبعات منفی اشتغال خارج از خانه بکاهد. اشتغال پاره‌وقت حتی درباره‌ی دختران مجرد شاغل نیز امری مطلوب‌تر از اشتغال تمام‌وقت برای آنهاست. لزوم کسب مهارت‌های خانه‌داری، بچه‌داری و تربیت آنها و شوهرداری اشتغال پاره‌وقت را برای دختران نیز موجه می‌کند.

۵. ساخت سازمانی مشاغل براساس عفاف و حجاب؛ با توجه به ارزش و هنجاربودن مختلط‌نشدن زن و مرد در هر فضایی، در صورت لزوم اشتغال زنان فضای کاری و سازمانی مشاغل باید به گونه‌ای طراحی شود که ارتباط و اختلاط زن و مرد به حداقل برسد. اختلاط زن و مرد در فضای کاری موجب ارضای بخشی از تمایل زن و مرد به جنس مخالف می‌شود. در نتیجه، صمیمیت و استحکام خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، می‌توان ساختار سازمانی و فضای کاری را به گونه‌ای طراحی کرد که همکاران و مراجعان زن، زنان باشند و همکاران و مراجعان مرد، مردان باشند. تناسب شغل و مراحل تحصیل با ویژگی حیا در زنان نیز باید رعایت شود. ضرورت رعایت این امر در سنینی که اختلاط دو جنس مخالف ممکن است، آسیب‌های شدیدتری به حیای دختران

و زنان وارد کند، بیشتر است؛ بنابراین، ضرورت تفکیک جنسیتی برای دوران اشتغال به آموزش بانوان در دانشگاه و دبیرستان بیشتر از دبستان است.

### منابع

- ◀ قرآن کریم.
- ◀ آقامهدوی، اصغر، ۱۳۸۹. مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (علیه السلام) و شهید صدر (علیه السلام) (بررسی مقایسه‌ای)، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- ◀ افشاری، زهرا، ۱۳۸۰. «اشتغال زنان و رفاه خانواده: یک چارچوب تحلیل». زن در توسعه و سیاست، دوره ۱، ش ۲.
- ◀ تاج‌مزیانی، علی‌اکبر و زینب یاسری، ۱۳۹۲. «بررسی سیاست‌گذاری اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران». مطالعات راهبردی زنان، س ۱۵، ش ۵۹.
- ◀ الترمذی، محمدبن عیسی، ۱۴۱۵ق. الصحیح الترمذی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ◀ جارالهی، عذرا، ۱۳۷۲. «تاریخچه اشتغال زن در ایران»، علوم/اجتماعی، دوره ۲، ش ۳ و ۴.
- ◀ حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹. وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- ◀ حیدری، حسن، منیژه حاجتی و یوسف ابراهیمی نسب، ۱۳۹۰. «نقشه زن در حقوق ایران، فرانسه و سوئد»، زن و فرهنگ، س ۲، ش ۷.
- ◀ دیرباز، عسگر و فاطمه وفایی صدر، ۱۳۹۴. «بازنگری مبانی فکری-کلامی الگوهای اجتماعی زن»، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۷، ش ۶۸.
- ◀ سوزنجی، حسین، ۱۳۹۳. «الگوی اسلامی برای تحلیل مسائل زن و خانواده و کاربرد آن در عرصه سیاست‌گذاری»، دین و سیاست فرهنگی، س ۱، ش ۱.
- ◀ سیدرضی، محمدبن حسین، ۱۴۱۴. نهج البلاغه، تصحیح صبحی الصالح، قم: هجرت.
- ◀ صدر، سید محمدباقر، ۱۳۹۳. اقتصاد ما، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی، قم: دارالصدر.
- ◀ صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳. من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۷. تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ◀ قلی‌پور، رحمت‌الله، ۱۳۸۰. «اشتغال و بیکاری (نگرش کلی، مفهومی)»، کار و جامعه، ش ۴۲.
- ◀ کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷. الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ◀ کیان‌مهر، محمدولی، ۱۳۷۸. «تأثیر اشتغال زن بر خانواده (بررسی مشکلات زنان شاغل و متأهل در خانواده)»، کار و جامعه، ش ۳۲.
- ◀ مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳. بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ◀ مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۴. اصول فقه، ترجمه محسن غرویان، قم: دارالفکر.

- ◀ نوری، اعظم، ۱۳۹۰. «بررسی اشتغال زنان از دیدگاه اسلام»، نامه جامعه، س ۷، ش ۸۵.
- ◀ نیکوبرش راد، فرزانه، ۱۳۸۵. «نگرشی بر اشتغال زنان در مدیریت و برنامه ریزی توسعه»، بانوان شیعه، س ۳، ش ۹.
- ◀ هدایت‌نیا، فرج‌الله، ۱۳۹۶. «تأملی بر نظریه خانه‌نشینی زن در فقه اسلامی»، مطالعات راهبردی زنان، دوره نوزدهم، ش ۷۶.
- Lasswell, Harold Dwight, "The Policy Orientation." *In The Policy Sciences: Recent Developments in Scope and Method*, ed. Daniel Lerner and Harold Lasswell, 3–15. Stanford: Stanford University Press.
- Anderson, James E. 2006. *Public Policymaking: An Introduction*, Boston: Houghton Mifflin.
- Dye, Thomas R. 2013. *Understanding Public Policy*, Boston: Pearson.